چه خبر؟

حضور سرپرست معاونت امور استان‌ها در مناطق زلزله‌زده

سرپرست معاونت امور استان‌های رسانه ملی صبح دیروز به نیابت از دکتر جبلی رئیس رسانه ملی با حضور در استان هرمزگان، ضمن بازدید از مناطق زلزله‌زده، روند پوشش خبری و اطلاع‌رسانی را در این استان از نزدیک مورد ارزیابی قرار داد. به گزارش روابط عمومی معاونت امور استان‌های سازمان صدا و سیما، دکتر محمدمهدی رحمتی پیش از ظهر دیروز با حضور در استان هرمزگان، از مناطق زلزله‌زده این استان بازدید کرد. وی در جریان این بازدیدها که با همراهی مدیرکل و معاونان مرکز هرمزگان صورت گرفت، از نزدیک به ارزیابی روند پوشش خبری و اطلاع‌رسانی به مخاطبان توسط این مرکز پرداخت. سرپرست معاونت امور استان ها در بازدید از صداوسیمای مرکز خلیج‌فارس و واحدهای تولیدی که از نخستین لحظات وقوع زلزله در حال فعالیت هستند در جریان آخرین اقدامات رسانه‌ای مرکز خلیج فارس قرار گرفت.

رحمتی همچنین ضمن قدردانی از اقدامات انجام گرفته رسانه‌ای از نخستین لحظات وقوع حادثه تاکنون و همچنین برنامه‌های پیش‌بینی شده برای اطلاع رسانی به لحظه صحیح و جامع از اقدامات انجام گرفته در کمک به مردم توسط صدا و سیمای مرکز هرمزگان، بر تداوم روند مطالبه گری تا حل مشکلات آسیب دیدگان و همچنین ضرورت پرداختن به همه مناطق آسیب دیده از زلزله تاکید کرد.

راهکار عملیاتی صدا و سیمای مراکز تقویت روحیه بسیجی در اقشار مختلف است

رئیس مرکز سیمای استان‌ها گفت: راهکار عملیاتی مراکز استانی این است که همگام با پرداختن به فرهنگ بسیجی، تلاش کنند روحیه بسیجی بودن را در اقشار مختلف مردم تقویت کنند.

به گزارش روابط عمومی معاونت امور استان‌های سازمان صدا و سیما، نشست هماهنگی برنامه‌های هفته بسیج با حضور سردار محمد زهرایی، مسؤول سازمان بسیج سازندگی و سیدعباس فاطمی رئیس مرکز سیمای استان‌ها برگزار شد. سردار زهرایی در این نشست ضمن تشریح برنامه‌های هفته بسیج بر همکاری با صدا و سیمای مراکز استان‌ها تأکید و خاطرنشان کرد: درس‌هایی که از دوران دفاع مقدس آموختیم کمک‌کننده ما در سال‌های بعد از دفاع مقدس بوده است. شعار امسال «بسیج پاره تن مردم است» انتخاب شده و بر این اساس برنامه‌های هفته بسیج از ۲۹ آبان با حضور ۵۲۰۰ گروه جهادی و ۵۷۳ هزار جهادگر بسیجی رزمایش جهادی آغاز خواهد شد. وی با اشاره به پوشش جامع خبری زمین‌لرزه بندرعباس توسط صدا و سیمای مرکز هرمزگان و حضور جدی بسیجیان در مدیریت بحران یادآور شد: بعد از وقوع حادثه مقرر شد تمام امکانات در اختیار زلزله‌زدگان قرار گیرد و هم‌اکنون گروه‌های جهادی در حال خدمت‌رسانی به مردم هستند. زهرایی همراهی مراکز استان‌ها در پوشش تصویری و خبری برنامه‌های سازمان بسیج را قابل تأمل دانست و از آن قدردانی کرد.

در ادامه نشست، سیدعباس فاطمی، رئیس مرکز سیمای استان‌ها ضمن اشاره به موفقیت‌های صداوسیمای مراکز در جشنواره‌های مختلف گفت: حضور درخشان و کسب موفقیت برنامه‌سازان استانی در جشنواره‌های مختلف اعتبار مهمی برای این معاونت است که از آن جمله باید به حضور فعال مستندسازان در شانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت و تولید آثار درخور توجه در معرفی شهدای مدافع حرم و سرداران شهید اشاره کرد. وی با اشاره به تولیدات صداوسیمای مراکز در هفته بسیج، توضیح داد: تلاش کردیم تولیدات‌مان را به دو بخش خبری و لحظه‌ای و ماندگار تقسیم کنیم؛ برنامه‌سازان در مراکز استان‌ها در کنار تولیدات خبری و برنامه‌های ترکیبی به تولید سریال یا مستندهایی با محوریت روحیه بسیجی اقدام می‌کنند که با وجود هزینه‌های بالا آثاری ماندگار در معاونت امور استان‌ها ثبت می‌شود. فاطمی افزود: انتظار ما از مدیران مراکز این است که همراه با پرداختن به فرهنگ بسیج، تلاش کنند روحیه بسیجی بودن را در اقشار مختلف مردم تقویت کنند.

رئیس مرکز سیمای استان‌ها گفت: این روحیه را در مواقع بحرانی مشاهده می‌کنیم و می‌بینید هرگاه حوادث غیرمترقبه اتفاق می‌افتد برنامه‌سازان مراکز، فضای تولیدات را به سمت بسیج مردم و همراهی با نیروهای بسیجی سوق می‌دهند. معاونت امور استان‌ها در هفته بسیج برنامه‌های مدون و اثربخشی تدارک دیده است که از صداوسیمای مراکز روی آنتن خواهد رفت.

تبدیل صدای هرمزگان به رادیو بحران

صداوسیمای مرکز هرمزگان، پوشش خبری زمین‌لرزه عصر روز یکشنبه در حوالی بندرعباس را از نخستین لحظات وقوع حادثه در دستور کار قرار داده و صدای این مرکز به صورت ویژه اقدام به ارائه اطلاعات لازم به مخاطبان می‌کند.

به گزارش روابط عمومی معاونت امور استان‌های سازمان صداوسیما، دو زمین‌لرزه به بزرگی ۶/۴ و ۶/۳ ریشتر حوالی فین در استان هرمزگان را لرزاند، زمین‌لرزه‌ای که چند پس‌لرزه نسبتا شدید هم داشت و موجب لغزش رشته‌کوه‌های منطقه و خسارات دیگری شد.

با توجه به حساسیت بالای موضوع و لزوم اطلاع‌رسانی سریع، جامع و دقیق از ابعاد حادثه و خسارات ناشی از آن، امدادرسانی‌ها و ارائه داده‌های آماری و اطلاعات ایمنی و پیشگیرانه به مردم، صداوسیمای مرکز هرمزگان از لحظات اولیه وقوع زلزله با قطع برنامه‌های عادی خود اقدام به پوشش خبری همه وقایع مربوط به آن کردند.

خاطرات مکتب

متولد یزد هستم و سال‌های ابتدایی کودکی‌ام را در آنجا گذراندم. خانمی فاضل در همسایگی ما بود که مکتبخانه داشت. برخلاف فضای پروحشتی که از مکتبخانه‌ها ترسیم می‌شود، برای من یک خانه صمیمی بود که به همراه چند دختربچه و پسربچه هم‌محلی زیرنظر ایشان اول «عم جزء» را یاد گرفتیم و بعد دو جزء قرآن را خواندیم. با القای ایشان پیش از آن‌که نوشتن بیاموزم، ۳۰ تا ۴۰ غزل حافظ را از بر شدم. مقدمه گلستان را هم در همان سن پنج شش سالگی یاد گرفتم. بچه شری نبودم؛ درس‌هایم را می‌خواندم و سر کلاس مرتب حاضر می‌شدم پس هرگز با من با تندی رفتار نکردند و ندیدم که بچه دیگری را هم کتک بزنند. آن خانم بسیار مهربان بود و همه احساس مادرانه‌ای از ایشان می‌گرفتند. ناظم مدرسه دبستانی که من بعدا دانش‌آموز آن شدم هم پسر این بانو بود.

این لهجه شیرین

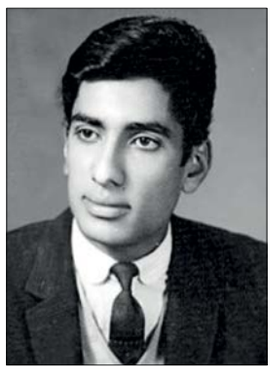

لهجه یزدی داشتم؛ وقتی به تهران آمدم، همکلاسی‌هایم گاهی به لهجه من می‌خندیدند! مصرانه در طول سه‌چهار ماه لهجه‌ام را اصلاح کردم. البته هنوز هم این لهجه به خاطرم هست و می‌توانم یزدی صحبت کنم. به نظرم یکی از فاکتورهای بسیار ارزشمند یزدی بودن، همین لهجه یزدی است. این لهجه نزدیک به زبان دری است. یزدی‌ها به مذهبی و سنتی بودن معروف هستند و ممکن است به نظر برسد که مخالفتی در خانواده برای ورود من و خواهر، برادرهایم به فضای هنر وجود داشته است ولی این‌گونه نبود. بعضی‌ها به شوخی به پدرم می‌گفتند چه شد که به اصطلاح بنه‌کن از یزد به تهران آمدید؟ و پدرم خدابیامرز می‌گفت من اگر به تهران نمی‌آمدم بچه‌هایم بیکار می‌ماندند. شغل همه آنها در تهران است و همه اینجا مشغول به کارند.

> فکر می‌کنم اگر وارد رادیو نمی‌شدم هنوز در مطبوعات مشغول کار بودم؛ چون برایم شغل دلپذیری بود. به دلیل این‌که روابط متعدد با آدم‌ها را ممکن می‌ساخت و دستم برای نوشتن نظراتم باز بود

کودکی و انس با رادیو

تهران آمدن باعث شد با فضای جدیدی آشنا شوم و به رادیو و تلویزیون بیایم. در تلویزیون هم برنامه‌هایی داشتم که مورد استقبال دست‌کم مدیران قرار می‌گرفت ولی به رادیو علاقه‌مندترم و به همین دلیل در این رسانه ماندگار شدم. همکاری بین رادیو و تلویزیون گاهی ناگزیر است. مثلا من به‌دلیل توانایی‌ام در خواندن شعر پارسی، گاهی در برنامه‌های تلویزیونی دعوت می‌شوم تا بخشی از آن را اجرا کنم. اما قلبا همیشه به رادیو تمایل دارم و پایگاه و ایستگاهم رادیوست. از کودکی وقتی در یزد بودیم، مونس من رادیو بود. با تفکرات کودکانه‌ام، تصویری را از آدم‌هایی که در این جعبه صدا جمع شدند، در ذهنم می‌ساختم. تخیلات کودکانه جالبی بود و ریشه علاقه من به این وادی در همان روزهاست.

مطبوعاتی بودم

اولین کار حرفه‌ای من، فعالیت در حوزه روزنامه‌نگاری بود. پیش از انقلاب در روزنامه‌های اطلاعات و کیهان کار کردم اما پایگاه اصلی‌ام روزنامه آیندگان بود. داستان جدایی‌ام از مطبوعات و پیوستنم به رادیو این است که به‌واقع مطبوعات و رادیو از همدیگر جدا نیستند؛ جفت‌شان رسانه هستند. وقتی گروه ادب امروز تشکیل شد، از بچه‌های رسانه برای همکاری دعوت کردند و من هم به این شکل کارم را با گروه ادب امروز رادیو به مدیریت نادر نادرپور ادامه دادم.

کاشف یک صدا

هیچ‌وقت تصور نمی‌کردم صدای خوبی دارم. فقط می‌دانستم صدایم بلند و رساست. روزی در مدرسه مبصر راهرو بودم و به بچه‌ها امر و نهی می‌کردم که آنجا نایستند. آقای سیدجواد مروج که ان‌شاءا... عمرشان بلند باشد، ناظم و دبیر ادبیات مدرسه بودند، سرشان را از دفتر مدرسه بیرون آوردند و گفتند چه کسی اینجا صحبت می‌کرد؟ با تردید و نگرانی گفتم من. گفت کارت تمام شد بیا دفتر. با خود گفتم ای دل غافل، حتما توبیخ می‌شوم که چرا در راهرو بلند حرف زدم. وقتی به دفتر مدرسه رفتم، ایشان دو سه صفحه از یک خطبه نهج‌البلاغه را به من داد و خواست در مراسمی بخوانم. این مراسم شب‌های جمعه به‌صورت هیاتی از بچه‌ها در خانه‌هایی که جای کافی داشتند برای قرائت قرآن و آموزش‌های معارفی برگزار می‌شد. در این دوران طبیعتا گرایش من به مسائل مذهبی و معارفی بیشتر شد. البته سابقه‌اش را هم داشتم. وقتی بچه بودم در ایام محرم با دوستانم در کوچه‌های یزد دسته راه می‌انداختیم و نوحه می‌خواندم که مورد استقبال رهگذران واقع می‌شد. با این استقبال، تشویق می‌شدم. روحیه نمایشی من از همین زمان شکل گرفت و در نهایت به نمایشگاه بزرگ صدا یعنی رادیو وارد شدم.

داستان ورود

روزی منزل یکی از هنرمندان دعوت بودم. خانمی در آن جمع حضور داشت و وقتی صدای من را حین صحبت شنید، گفت چرا با رادیو همکاری نمی‌کنی؟ گفتم دوست دارم همکاری کنم ولی آشنایی ندارم. قرار شد یک روز به رادیو بروم. معین نوراحمد برنامه‌ای در رادیو برای هنر و ادبیات داشت که در آن برنامه گویندگی را شروع کردم. حتی داستان‌های کوتاه طنز را برای رادیو نمایشی تنظیم و با سایر همکاران اجرا می‌کردم. فکر می‌کنم اگر وارد رادیو نمی‌شدم هنوز در مطبوعات مشغول کار بودم؛ چون برایم شغل دلپذیری بود. به دلیل این‌که روابط متعدد با آدم‌ها را ممکن می‌ساخت و دستم برای نوشتن نظراتم باز بود. این خیلی موقعیت خوبی است که اگر حرفی برای گفتن داشته باشی، جایی وجود داشته باشد که بتوانی آن را منعکس کنی. دلیل اصلی که پاگیر رادیو و تلویزیون و به‌طورکلی رسانه شدم را هم در همین موضوع می‌بینم.

نشر گنجینه خاطره‌ها

صرف‌نظر از این‌که ریاضیات خواندم و در دانشگاه هم آرشیتکتی را دنبال کردم، همواره با ادبیات انس داشتم. به دلیل علاقه‌مندی شخصی خودم به وادی ادبیات، برنامه‌هایی که می‌نوشتم و اجرا می‌کردم بیشتر در همین راستا بود. زمانی در رادیو بخش معرفی کتاب را بر عهده داشتم که گفت‌وگو با نویسنده، مترجم و ناشر کتاب را هم در پی داشت. آن زمان رادیو فرهنگ وجود نداشت. رادیو یک و رادیو ۲ را داشتیم که رادیو ۲ فضای روشنفکرانه‌تری داشت. من با هر دو همکاری داشتم و برای آنها می‌نوشتم و کارگویندگی هم می‌کردم. به‌هرحال هنوز هم دستی به قلم دارم اما مدتی است تنبلی می‌کنم. زمانی است با خودم کلنجار می‌روم مجموعه خاطراتم را منتشر کنم. خاطرات بسیاری دارم که برایم سخت است آنها را به ترتیب تاریخ نقل کنم اما قصد دارم در موضوعات و سوژه‌های مختلف دسته‌بندی کنم و اگر عمری باقی باشد انتشار دهم.

هنر خانوادگی

خوشبختانه ما خانواده پرجمعیتی هستیم. ۹ خواهر و برادر بودیم که متاسفانه یکی از ما فوت کرد. همه به نوعی با هنر سروکار داریم. برادرم، زنده‌یاد بهزاد، نوازنده چیره‌دست تنبک بود و آواز می‌خواند. خواهرم عاطفه هم بازیگر حرفه‌ای تئاتر، سینما و تلویزیون است. بچه‌های دیگر هم اهل ذوق و هنر هستند. خاطرم هست روزی آقای کیانوش عیاری به من گفت، بهروز کمک‌کن بازیگری برای نقش یک دختر کولی و لال پیدا کنم. گفتم خواهرم می‌تواند این نقش را بازی کند. عیاری را به خانه مادرم بردم؛ عاطفه را آنجا دید و قرار شد در «آن‌سوی آتش» نقش اصلی زن را بازی کند. خودم هم در فیلم «آبادانی‌ها» برای این کارگردان بازی کردم. در فیلم «نجات‌یافتگان» به کارگردانی رسول ملاقلی‌پور که خواهرم هم در آن بازی داشت، نقش یک ژنرال عراقی را برعهده داشتم. با این‌که چند سالی در ۱۴ - ۱۳ فیلم خوب بازی کردم اما این حرفه مشغله‌های اضافی مثل سفر و... دارد که دیگر در این سن برایم جذاب نیست و دشواری دارد.

اولین برنامه

اولین برنامه رادیویی را که اجرا کردم، ۲۱ سالم بود. این ماجرا به سال ۱۳۴۷ برمی‌گردد. روزهای ابتدایی کارم، هفته‌ای یک برنامه داشتم و بعد از آن رفته‌رفته مقدار کارم بیشتر شد. زنده‌یاد گرگین از کسانی بود که بسیار نظر مثبتی روی کارم داشت. صدایم را پسندیده بود. با دعوت ایشان در اجرای گفت‌وگوهای مختلف حضور پیدا می‌کردم. کم‌کم به تلویزیون هم آمدم. سال ۵۳ یا ۵۴ و همزمان با کارهای رادیویی‌ام بود که به خواست جناب گرگین در برنامه‌ای از تلویزیون حاضر شدم که یک میزگرد اسلامی و گفت‌وگو با چند نفر از اساتید این حوزه بود. مرحوم سیدحسینی، اردکانی و چند نفر دیگر مهمانان برنامه بودند. به زنده‌یاد نادرپور زنگ زدم و گفتم من در این حوزه تخصصی ندارم. به منزل آقای نادرپور رفتم و ایشان چند کتاب به من دادند. مثل بچه‌ها در شب امتحان، این کتاب‌ها را خواندم که در حین اجرا دستم پر باشد؛ بتوانم سوالات بجا بپرسم و نظرات درخور بدهم.

خانه‌ای در فرهنگ

شبکه رادیویی فرهنگ

رادیو فرهنگ خانه‌گاه من است. همیشه در این شبکه، اجرای چند برنامه را بر عهده داشته‌ام. با رادیو تهران هم همکاری دارم و ۲۵ سال است برنامه «کتاب شب» را برای این شبکه اجرا می‌کنم. خیلی برای من محدودیت وجود ندارد که فقط با یک شبکه رادیویی کار کنم. البته این محدودیت غالبا برای همکاران هست ولی در این مورد، شاید به خاطر زلف سپیدم، چندان به من کاری ندارند. به همین خاطر اگر برای برنامه‌ای از دیگر شبکه‌ها من را دعوت کنند و خوشم بیاید، همکاری می‌کنم. برنامه‌های زیادی هستند که باب سلیقه من نیستند و به همین خاطر اجرای آنها را رد می‌کنم. مواردی که در انتخاب یک برنامه برایم اهمیت دارد، از این قرار است: متن برنامه باید ادبیات درست داشته و اندیشه برنامه مورد قبول بنده باشد. باید مضمون آن را بپسندم و فضایی که برنامه دنبال می‌کند، باب طبعم باشد.

نی

بسیاری صدایش را باش
تواناست. بهروز رضوی، صاح
دارد. راهی که او را به یکی از گو
به دیگر وادی‌های هنر مثل ا
بیشتر با آنها، میان مخاطبان
اجرای برنامه‌های تلویزیونی و
است. بازیگری در فیلم‌هایی
گویندگی در ساختمان شهر
تجربه‌اندوزی در رادیو و... گفت. اگر با صدای این گوینده

نوشین مجلسی
رسانه

درونگ

اجرای تلویزیونی و بازیگری باعث بیشتر دیده شدن می‌شود، به همین خاطر بعضی می‌گویند کار کردن در استودیوی دربسته رادیو جذابیت چندانی ندارد و آدم را از دید عموم دور نگه می‌دارد. اما من اتفاقا همین فضای بسته را دوست دارم، این‌که با صدا ارتباط برقرار کنم، خیلی برایم دلنشین‌تر است. نسبت به شهرت کاذبی که تلویزیون ایجاد می‌کند، دل خوشی ندارم. در حین سلام و علیک با کسانی که از طریق تلویزیون من را می‌شناس
جسارتی صورت گیرد که مطابق انتظار آنها نبا
تعاریف روان‌شناسی درونگرا نیستم. اتفاقا مرا
نوعی بلاتکلیفی در برخورد با مخاطبان دارم.
دراین‌باره هم صحبت می‌کنند. شاید به همین

برنامه‌ای با ه

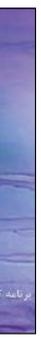

برنامه‌های زیادی در حوزه ادبی داشته و دارم. برای نمونه برنامه «هزاره ادب پارسی از شبکه رادیویی فرهنگ، یک نوع دایره‌المعارف است که ما در آن از زمان پیش از رودکی شروع کردیم و یک‌به‌یک شاعران و مسائل تاریخی هر قرن را بررسی می‌کنیم. برنامه «فرزانگان فرهنگ» در رادیو فرهنگ هم گفت‌وگو با افراد شاخص ادبیات معاصر و بیان مطالبی درباره آنهاست. ۲۰ سال است این برنامه ادامه دارد و شنوندگان خود را جذب کرده است. می‌شو
دوستی‌های نزدیک دارم. از همان ابتدا یکی ا
بود. این برایم خیلی خوشایند بود که با فلان ش
نظرهایی در این حوزه دارم. مجموعا دل‌مشغ
سوق داد. مثلا سال‌ها پیش برنامه‌ای ادبی و
به‌اتفاق مهدی اخوان‌ثالث اجرا می‌کردم. ایام
بخوانم و من هم خجالت می‌کشیدم که جلوی